

## جنبش دانشجویی لبنان: یادگیری از دهه ۷۰ و پیش‌روی

نویسنده: Ghassan Mogharbel January 12, 2021

مترجم: شیرین عبادی

دانشگاه‌های دولتی و خصوصی لبنانی، از زمان تأسیس‌شان متأملانه به سیاست داخلی لبنان و سیاست خارجی مربوط به ژئوپلیتیک منطقه واکنش نشان داده‌اند. پس از وقفه‌ای طولانی و در میانه‌ی حال و هوای فروپاشی، یک جنبش دانشجویی ساختاریافته که توسط سکولارها و مستقلان در لبنان رهبری می‌شد شعله‌های امید را دوباره برافروخت.

در 19 دسامبر، دانشجویانی از دانشگاه‌های سراسر کشور، در واکنش به بالارفتن شهریه دانشگاه‌ها شهر حمرا را به صحنه اعتراضات خود بدل کردند. مدیریت دانشگاه آمریکایی بیروت، AUB، اعلام کرد که دانشجویان شهریه خود را به‌جای اینکه با نرخ هر دلار 1515 لیر لبنان پرداخت کنند باید با نرخ هر دلار 3900 لیر پرداخت کنند. این امر راه را برای سایر دانشگاه‌ها همچون دانشگاه آمریکایی لبنان، LAU، برای درپیش گرفتن همین مسیر هموار کرد.

پیاده‌روی صلح آمیز از AUB به LAU، به سرعت به درگیری میان دانشجویان و نیروهای امنیت داخلی و ارتش بدل شد.

نیروهای امنیتی و ارتش از گاز اشک‌آور و باتون برای مقابله با دانشجویانی استفاده می‌کردند که از مدیریت هر دو دانشگاه AUB و LAU می‌خواستند در تصمیم‌شان تجدید نظر کنند. خشونت‌ی که پلیس ورزید، نمای دیگری از اقدام‌های سرکوب‌گرانه‌ای بود که به دستور لیگارش‌های حاکم صورت می‌گرفت و نقطه‌ی شروع‌اش خیزش 17 اکتبر بود.

در دهه 1970، لبنان شاهد «قوی‌ترین» جنبش دانشجویی در تاریخ کشور بود. جنبشی پویا و فعال که در مسیر اعتصابات مکرر، تظاهرات و تصرفات حرکت می‌کرد. تأمل در چنین تجربیاتی که حاصل از شورش‌های دانشجویی پیشین است، به ما در هموار کردن مسیر پیش رو کمک می‌کنند.

### اوایل دهه 1970؛ دانشجویان وارد میدان می‌شوند

جنبش دهه 1970 برای فائق آمدن بر تفرقه‌های موجود در میان صف دانشجویان، طبق دستورالعملی که بر خواسته‌های دانشجویان متمرکز می‌کرد، سازمان یافت. در 1971، بیش از 10 هزار دانشجو تک‌تک دانشکده‌های دانشگاه لبنان را، که در آن زمان تنها دانشگاه دولتی بود، اشغال کردند.

پس از اعتصابی طولانی مدت، دانشجویان به آنچه می‌خواستند رسیدند؛ نمایندگی و مذاکرات با کمیته تحصیلات عالی، که در آن سال توسط جورج سعده رهبری می‌شد. هیأت نمایندگی، که متشکل از 6 دانشجو بود، اولین دیدارش را در سال 1971 داشت. این امر منتج به شکل‌گیری اولین کمیته مشترک دانشجو و استاد شد، و در نتیجه‌ی این همکاری و هم‌افزایی ظرف 24 ساعت یک قانون پیشنهادی ارائه شد. این قانون خواستار تغییراتی در قوانین داخلی دانشگاه لبنان و از همه مهمتر، به رسمیت شناختن مشارکت دانشجویان در تعیین سیاست‌های دانشگاه شد.

به‌طور مشابه در همان سال، دانشجویان دانشگاه AUB در یک اعتصاب یک ماهه به افزایش 10 درصدی شهریه اعتراض کردند.

در سال 1974، و بعد از مجموعه‌ای از پیروزی‌ها برای جنبش، دانشجویان دست به طرح فراندومی زدند تا نهایتاً توسط یک رویکرد شبه‌اتحادیه‌ای نسبت به فعالیت، به یک ساختار دموکراتیک برسند. این امر موجب گسترش سازماندهی سیاسی در سطح دانشجویان و همچنین شکل‌گیری بیش از 50 اتحادیه و ائتلافات دانشجویی در سراسر کشور شد.

در همان سال، دانشجویان معترض به وزارت تحصیلات عالی یورش بردند. گرچه آنان با سرکوب سیستماتیک و وسیعی از سمت ارتش تحت فرمان طبقه‌ی حاکم و نیروهای امنیتی مواجه شدند، باری دیگر به هدفشان دست یافتند: فرمانی از سمت دولت که اجازه حمایت مالی دانشگاه دولتی لبنانی‌ها را صادر کرد.

جنگ داخلی لبنان، که در سال 1975 آغاز شد، با مانورهای سیاسی باعث مرگ هزاران نفر در سراسر کشور شد و از طرفی پایانی بود بر جنبش‌های سراسری دانشجویان. در سال 1977 وزیر وقت علوم، جمیل چامون، فرمان‌های 122 و 115 را صادر کرد که طی آن تمام حقوقی را که دانشجویان در سال‌های فعالیت‌شان به‌دست آورده بودند، بازپس گرفت. به‌طور خاص، او همه‌ی شوراها را دانشجویی و هر گونه امکان مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به دانشگاه را ملغاً ساخت و با این کار، ارزش‌های دموکراتیک و آزادی‌های آکادمیک را به کلی از زندگی دانشگاهی حذف کرد.

## 2020: دانشجویان بار دیگر به عرصه می‌آیند

با توجه به آمار سال 2020 که طی آن 50 درصد جمعیت لبنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، جمع‌کشی از دانشجویان نمی‌تواند از عهده افزایش شهریه برآیند. مقاومت کنونی آنان درمقابل اقدامات ناعادلانه‌ای مانند دلاری کردن شهریه دانشگاه‌های خصوصی است که در بحبوحه بحران اقتصادی توسط دانشگاه‌ها به‌کار گرفته می‌شوند، چرا که می‌ترسند یکی از چندین اقداماتی باشد که نهایتاً باعث سقوط رژیم خدمات رفاهی هم‌اینک پوسیده‌ی دانشگاهی خواهد شد.

رئیس دانشگاه AUB، دکتر فادلو خوری با توسل به اجبار و زور و سرکوب بار دیگر ستمی را به اجرا درآورد که بخشی از میراث تاریخی این دانشگاه است. او حالا در 20 جولای پس از تبدیل مرکز بهداشتی دانشگاه به منطقه نظامی، علاوه بر بیکار کردن بیش از 800 کارگر، حالا دیگر میدان را به نیروهای وحشی داده تا هم در داخل و هم در خارج محیط دانشگاه به دانشجویان حمله‌ور شوند.

هرچند که زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی نسبت به دهه 1970 عوض شده است، اما دشمن همان است. مدیریت دانشگاه‌های AUB و LAU هیچ تفاوتی با حکومت لبنان که علناً علیه مردم اعلان جنگ اقتصادی کرده، ندارد.

خوری و رئیس تازه منصوب شده‌ی LAU، دکتر میشل ماواد، نماینده‌ی یک درصدی‌ها و منافع طبقه‌شان هستند. آن‌ها و مدیریت‌شان جانب‌الیکارشی را دارند، نه دانشجویان. آنان علیه تمامی دانشجویان کشور اعلان جنگ کرده‌اند و دست در مجموعه‌ای از اقدامات دارند که منجر به افزایش شهریه برای همه دانشجویان می‌شود. با توجه به تمامی این‌ها، ما باید خود را مسلح به تاریخ فعالیت دانشجویی کنیم، و مسیری را که بیشترین سازگاری با رویکردهای مان دارد، در جهت بازپس‌گیری دانشگاه‌های مان هموار کنیم.

چگونه در جنبش‌های امروز پیشروی کنیم؟

شرکت دانشجویان در اقدامات مستقیمی همچون اعتصابات محلی، که هم دانشگاه‌های عمومی و هم دانشگاه‌های خصوصی را دربرمی‌گرفت، همچنان برای جنبش‌های امروز حیاتی است. این امر تنها از طریق تلاش برای پیدا کردن اهداف مشترک بین نمایندگان دانشجویی در سراسر کشور حاصل می‌شود.

علاوه بر این، بازپس‌گیری فضاها و مکان‌های دانشجویی نیز در فرایند احیای حقوق دانشجویان بسیار مهم است. این نه تنها یک پیروزی نمادین، بلکه پیامی سیاسی است که مالکیت مردم بر تمامی فضاها را تایید می‌کند، آن‌هم تحت حکومتی که تمایل دارد هرآنچه که معتلق به توده هاست، خصوصی‌سازی شود.

یادگیری از تجارب سیاسی پیشین نیز حائز اهمیت است. در اوایل دهه 70، فائق آمدن بر عواقب تنش‌های ژئوپلیتیک برای دانشجویان دشوار بود. هرچند علی‌رغم تفاوت‌های ایدئولوژیکی، دستورالعملی که حقوق دانشجویان را در رأس کار خود قرار می‌داد، نهایتاً مسیر پیش‌رو را هموار کرد.

بدنه‌ی نمایندگان دانشجویی امروز باید از دیروز تقلید کند تا در مسیری سازمان‌یابد که همه انواع دانشجویان ترقی‌خواه و مستقل را دربرگیرد. با درنظر گرفتن این حقیقت که جنبش دانشجویی امروز نسبتاً کم‌سابقه است و از آنجا که دیگر یک محصول جانبی حاصل از انباشت تجارب و آگاهی‌های جنبش دهه 70 نیست، این اقدام باید یک چرخش موقت به سوی رویکردی ایدئولوژیک باشد.

همچنین ورود به چشم‌اندازهایی که ما را از جنبش‌های پیشین جدا می‌کنند نیز حیاتی است. مهم است که از رومان‌تیک‌سازی وضعیت سابق جنبش دانشجویی عبور کنیم و واقعیت خود را شکل دهیم، چرا که موانع امروز بسیار چالش‌برانگیزتر از موانع گذشته‌اند.

---

منبع: [بیروت امروز](#)